



The Role of Intangible Assets in Management Accounting on Knowledge-based Economy as a Mean for Achieving Resistance Economy

Habib-o-Allah Dehghan¹, Hamid Reza Vakili Fard^{*2}, Ahmad Yaghouh Zadeh³, Fereydoun Rahnama Roud Poshti⁴

Abstract

Nowadays, one of the significant factors in economic progress is to develop knowledge-based economy. According to Imam Khamenei's statements about reviving production and employment and paying attention to resistance economy, in the present article, we would like to measure the impact of management accounting on knowledge-based economy as a mean for achieving resistance economy. Therefore, knowledge-based economy depends on changing view in management accounting. In the present study, intangible asset as an important factor is evaluated and by studying on knowledge-based economy, the impact of intangible asset on knowledge-based economy has been analyzed and evaluated. For testing hypothesis, a questionnaire with 38 questions is used and the statistical population is 234 managers of Iranian's stock exchange companies. 208 given managers answer completely and correctly. Collected data is analyzed by SPSS-16 software. Five components of intangible capital, including ownership structure, business or corporate indices, industrial indices and the reaction of analysts and costumers are considered for intangible assets. The conclusions of the study indicate that the intangible asset components effect on knowledge-based economy. In other word, intangible asset is as a significant factor of management accounting in knowledge-based economy and as a result, that is important to realize a resistance economy.

Keywords:Resistance Economy, knowledge-based economy, Intangible Assets, Management Accounting

Citation: Dehghan, Habib-o-Allah; Vakili Fard, Hamid Reza; Yaghouh Zadeh, Ahmad; Rahnama Roud Poshti, Fereydoun(2022); The Role of Intangible Assets in Management Accounting on Knowledge-based Economy as a Mean for Achieving Resistance Econom – Resistance Economy Approach. *Journal Of Army Strategic Research*, 1 (2), 117-144

-
1. Ph.D. Accounting .Islamic Azad University.Tehran. Iran.
 2. Ph.D. managment .Islamic Azad University.Tehran. Iran. vakili@yahoo.com
 3. Ph.D. managment .Islamic Azad University.Tehran. Iran.
 4. Ph.D. managment .Islamic Azad University.Tehran. Iran.
-

Received: 2022/09/26
Accepted: 2022/12/18

Article Type : Research - based



نقش دارایی‌های نامشهود در راستای حسابداری مدیریت بر اقتصاد دانش بنیان به

عنوان ابزاری برای تحقق اقتصاد مقاومتی

حبیب اله دهقان^۱، حمیدرضا وکیلی‌فرد^{۲*}، احمد یعقوب نژاد^۳ و فریدون رهنما رودپشتی^۴

چکیده

امروزه یکی از عوامل مهم در پیشرفت اقتصاد، دانش بنیان نمودن آن است. در راستای بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) جهت رونق تولید و اشتغال و توجه به اقتصاد مقاومتی، در پژوهش حاضر برآنیم تا میزان تأثیر حسابداری مدیریت بر اقتصاد دانش بنیان به عنوان ابزاری برای تحقق اقتصاد مقاومتی را اندازه‌گیری نماییم؛ از این رو تحقق اقتصاد دانش بنیان در گرو تغییر نگاه در حسابداری مدیریت می‌باشد. در پژوهش حاضر دارایی نامشهود به عنوان یک عامل مهم حسابداری مدیریت مورد ارزیابی قرار گرفته است و با بررسی اقتصاد دانش بنیان، میزان تأثیر دارایی نامشهود بر اقتصاد دانش بنیان مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد. برای آزمون فرضیه‌ها، از روش پرسشنامه که مشتمل بر ۳۸ سؤال بوده و از جامعه آماری مشتمل بر ۳۲۴ مدیر شرکت بورس اوراق بهادار ایران پاسخ‌های ۲۰۸ مدیر به عنوان نمونه آماری برگشت داده شده و مورد استفاده قرار گرفت و با استفاده از نرم افزار SPSS-16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پنج مؤلفه سرمایه نامشهود، ساختار مالکیت، شاخصه‌های شرکتی، شاخصه‌های صنعتی و واکنش تحلیل‌گران و مشتری‌ها برای دارایی نامشهود در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش حاکی از مؤثر بودن مؤلفه‌های دارایی نامشهود بر اقتصاد دانش بنیان بوده است؛ به عبارتی دارایی نامشهود به عنوان یک عامل مهم حسابداری مدیریت بر اقتصاد دانش بنیان مؤثر می‌باشد که در نتیجه در تحقق اقتصاد مقاومتی حائز اهمیت می‌باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان، دارایی نامشهود، حسابداری مدیریت.

استناد: دهقان، حبیب‌اله؛ وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ یعقوب نژاد، احمد؛ رهنما رودپشتی، فریدون (۱۴۰۱). نقش دارایی‌های نامشهود در راستای حسابداری مدیریت بر اقتصاد دانش بنیان به عنوان ابزاری برای تحقق اقتصاد مقاومتی؛ فصلنامه پژوهش‌های راهبردی ارتش (۲)، ۱۴۴-۱۱۷

۱. دانش آموخته دکتری. مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی. تهران. ایران.

۲. دانش آموخته دکتری. حسابداری. دانشگاه آزاد اسلامی. تهران. ایران (نویسنده مسئول). vakili@yahoo.com

۳. دانش آموخته دکتری. مدیریت. دانشگاه آزاد اسلامی. تهران. ایران.

۴. دانش آموخته دکتری. مدیریت. دانشگاه آزاد اسلامی. تهران. ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

مقدمه

اصطلاح اقتصاد مقاومتی را نخستین بار مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در شهریور سال ۱۳۸۹ در دیدار با کارآفرینان مطرح نمودند. ایشان در مرداد ۱۳۹۱ در دیدار با جمعی از دانشجویان، به جامعه دانشگاهی و به خصوص اقتصاددانان گوشزد کرده‌اند که اقتصاد مقاومتی یک مطالبه عمومی است که باید در تبیین و تشخیص حدود آن بکوشند. معظم‌له سرانجام در بهمن ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ و تأکید کردند که پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد و اقتصاد مقاومتی در بحران‌های رو به افزایش خارج از اختیار جهانی مانند بحران‌های مالی، اقتصادی و سیاسی با تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت می‌بخشد. همچنین ایشان در بیانات خود همواره بر اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان یک پایه مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی تأکید می‌نمایند از جمله: "یکی از پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است؛ اساس کار در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است"؛^۱ و "دانش‌بنیان شدن بخش‌های مهم اقتصاد داخلی، یکی از کارهایی است که در اقتصاد مقاومتی شرط است و بایستی انجام بگیرد"^۲.

یکی از عوامل مهم در پیشرفت اقتصاد، دانش‌بنیان نمودن آن است. «پیشرفت در یک تعریف کلی عبارت است از فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب.» (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۳۴). از این روی امروزه سازمان‌ها در حال وارد شدن به اقتصاد مبتنی بر دانش هستند (جیو^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). اقتصادی که در آن دانش و دارایی‌های نامشهود به عنوان مهمترین عامل تولید و مزیت رقابتی (ماسا^۴ و تستا^۵، ۲۰۰۹) و همچنین به عنوان مهمترین

۱. (۱۳۹۴/۰۷/۲۲)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا».

۲. (۱۳۹۵/۰۱/۱۰)، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی.

منبع نوآوری برای سازمان‌ها (هریس^۱ و همکاران، ۲۰۱۳) شناخته شده است. یکی از مهمترین اجزای دارایی‌های نامشهود سرمایه فکری است، سرمایه فکری فراهم کننده یک پایگاه منابع جدید است که از طریق آن سازمان می‌تواند به رقابت بپردازد. این سرمایه موجب افزایش تلاش برای استفاده مؤثر از دانش (محصول نهایی) در مقابل اطلاعات (ماده خام) می‌گردد (بونتیس^۲ و سرنکو^۳، ۲۰۰۹).

در اقتصادهای دانش بنیان، شرکت‌ها باید به توانایی و کارایی برای خلق، توسعه و کاربرد دانش توجه داشته باشند (ورلیدن^۴، ۲۰۰۱). دسترسی روش اولیه برای خلق ارزش از عوامل تولید فیزیکی سنتی به دانش نامشهود تغییر یافته است. نظر به این واقعیت، بخش بزرگی از ارزش شرکت ممکن است در دارایی‌های نامشهود منعکس شود. هرچند، گزارشگری مالی نمی‌تولند به طور مناسب ارزش دارایی نامشهود را منعکس کند، به دلیل قوانین کمتر و افشای کمتر در زمینه سرمایه نامشهود یک شکافی میان عوامل درونی و بیرونی ایجاد می‌شود (ورگوون^۵ و همکاران، ۲۰۰۷).

برخی از اقلام دارایی‌های نامشهود، دارایی‌هایی هستند که در ترازنامه لحاظ نشده ولی منبعی برای خلق ارزش محسوب می‌شوند. به طوری که ممکن است بیش از ۷۵ درصد ارزش یک شرکت مربوط به دارایی‌های ثبت نشده آن باشد (ستایش و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۸۹). محیط کسب و کار مبتنی بر دانش، نیازمند رویکردی است که دارایی‌های نامشهود جدید سازمانی مثل دانش و شایستگی‌های منابع انسانی، نوآوری، روابط با مشتری، فرهنگ سازمانی، نظام‌ها، ساختار سازمانی و غیره را در برگیرد. در این میان، نظریه سرمایه فکری توجه روزافزون محققان دانشگاهی و دست اندرکاران سازمانی را به خود جلب کرده است (قلیچ لی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

-
- 1.Harris
 - 2.Bontis
 - 3.Serenko
 - 4.Verleiden
 - 5.Vergauwen

نظر به اینکه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) نیز در بیاناتشان بر اهمیت اقتصاد دانش بنیان به عنوان پایه اساسی اقتصاد مقاومتی تأکید نمودند: "یک مسئله هم مسئله‌ی نقش‌آفرینی در اقتصاد مقاومتی است که اقتصاد دانش‌بنیان پایه‌ی آن است" (۱۳۹۴/۰۸/۲۰)، بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری؛ بنابراین در پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش حسابداری مدیریت در اقتصاد دانش بنیان به عنوان ابزاری برای تحقق اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

پیشینه

در راستای یک تعریف مشخص از دارایی‌های نامشهود، استاندارد حسابداری بین‌المللی شماره ۳۸، دارایی نامشهود را این‌گونه تعریف می‌کند: «دارایی نامشهود یک دارایی غیر پولی، قابل شناسایی بدون وجود فیزیکی است که برای استفاده در تولید یا عرضه کالا و خدمات یا اجاره به سایرین و یا برای سایر مقاصد اداری نگهداری می‌شود» (IASB, ۲۰۰۴). بلایر^۱ و والمن^۲ (۲۰۰۰) در مطالعه خود به طبقه بندی دارایی‌های نامشهود پرداختند. آن‌ها در این تحقیق دارایی‌های نامشهود را به سه دسته زیر تقسیم‌بندی نمودند:

آن دسته از دارایی‌های نامشهود که شرکت به طور شفاف دارای حق مالکیت آن‌ها بوده و دارای بازار خرید و فروش می‌باشند. در این گروه دو نمونه از دارایی‌های نامشهود قابل تفکیک شدن است:

- الف- دارایی‌هایی از قبیل کپی رایت، نام تجاری، حق اختراع.
- ب- قراردادهای تجاری، لیسانس و پایگاه‌های داده.

دارایی‌های نامشهودی که تحت کنترل شرکت هستند اما تعریف درستی از آن‌ها در دست نیست و ممکن است حق مالکیت قانونی برای آن‌ها وجود نداشته باشد. همچنین برای آن‌ها یا بازاری وجود ندارد و یا دارای بازار غیرفعال و ضعیف هستند. مثال‌هایی از این قبیل دارایی‌ها

شامل: مخارج تحقیق و توسعه، اعتبار تجاری، سیستم‌های مدیریت اموال و فرایندهای تجاری است.

دارایی‌های نامشهودی که شرکت کنترل کمی بر آن‌ها دارد و بازار فعال برای آن‌ها وجود ندارد. این دارایی‌ها به نیروی انسانی شرکت مربوط می‌باشند. مثال‌هایی از این قبیل شامل: دارایی‌های سرمایه انسانی، دارایی‌های سازمان یافته و سرمایه فکری می‌باشد (بلایر و والمن، ۲۰۰۰).

عوامل مؤثر بر دارایی‌های نامشهود

عواملی که بر دارایی‌های نامشهود تأثیر می‌گذارند قابل بخش به پنج دسته هستند: سرمایه نامشهود، ساختار مالکیت، شاخصه‌های شرکتی، شاخصه‌های صنعتی و واکنش تحلیل‌گران و مشتریان (تسای و همکاران، ۲۰۱۲). شرح این عوامل از این قرار است:

در سرمایه نامشهود، مدل‌های تجربی بسیار از ارزش دارایی‌های نامشهود به عنوان معیار اندازه‌گیری کارایی آینده استفاده کرده‌اند. این ارزش، نشان دهنده ارزیابی بازار از جریان منافع مورد انتظار آینده است که می‌تواند بر اساس ارزیابی بازگشت سرمایه از دارایی‌های مشهود و نامشهود شرکت بدست آید. بنابراین هر سرمایه‌گذاری نامشهود همانند دارایی مشهود، ارزش یک شرکت را افزایش می‌دهد، همان‌طور که دارایی نامشهود این امر را میسر می‌نماید. ساختار مالکیت شرکت‌ها: مطالعات مختلف نشان داده‌اند کنترل کردن سهام‌داران همیشه کنترل مؤثری را در شرکت بوجود می‌آورد.

دارایی‌های نامشهود یک شرکت ممکن است به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از عواملی متأثر شوند که به طبیعت شرکت مربوط می‌شوند. رشد فروش یک نماینده فرصت رشدی است که دارایی‌های نامشهود را افزایش می‌دهد ولی اندازه شرکت با معکوس فرصت‌های رشد مورد انتظار ارتباط دارد. شرکت‌هایی که فرصت‌های رشد بیشتری دارند قدرت نفوذ کمتری دارند.

به علاوه مشخصات شرکتی، مشخصات مختلف از صنایع مختلف بر ارزش دارایی‌های نامشهود از شرکت‌ها اثر می‌گذارد. درجه تمرکز صنعت باید بر قدرت معاملات مرتبط شرکت اثر گذار باشد. وقتی که یک صنعت پراکنده است و ارتباطات ضعیف است درجه رقابت در آن صنعت بیشتر است و قدرت معامله شرکت کاهش یافته است. بنابراین می‌توان دریافت که افزایش ارتباط سبب افزایش قدرت بازار می‌گردد که می‌تواند ارزش دارایی‌های نامشهود را افزایش دهد.

هر چه تحلیل‌گران بیشتری، شرکتی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، اطلاعات بیشتری در دسترس است. محیط اطلاعاتی شرکت بهبود و هزینه سرمایه کاهش یافته است. در غیر این صورت هر تحلیل‌گر یکی از کاربران خارجی گزارش‌های مالی شرکت است و دانش مربوط به حرفه خود را دارد. تحلیل‌گران بیشتر در حال تعقیب شرکت، تحقیق و موشکافی بیشتر را در پی خواهد داشت (تسای و همکاران، ۲۰۱۲ و تسای و همکاران، ۲۰۱۶).

جدول شماره ۱۰ - متغیرهای مؤثر بر دارایی نامشهود

انواع	متغیرها	اندازه‌گیری
سرمایه‌های نامشهود	قدرت R & D	تحقیق و گسترش هزینه‌ها به دارایی کل
	قدرت تبلیغات	هزینه‌ی تبلیغات به دارایی کل
	خانواده	متغیرهای ساختگی: تعیین اینکه آیا شرکت یک صاحب سرمایه‌ی کنترل کننده دارد یا نه؟ (شخص یا گروه)
	دولت	متغیرهای ساختگی: تعیین اینکه آیا شرکت یک صاحب سرمایه‌ی کنترل کننده دارد یا نه؟ (دولت)
	سرمایه‌گذار خارجی	متغیرهای ساختگی: تعیین اینکه آیا شرکت یک صاحب سرمایه‌ی کنترل کننده دارد یا نه؟ (سرمایه‌گذار خارجی یا شرکت)
	حق انتقال پول	حق انتقال پول صاحب سرمایه‌ی کنترل کننده
ساختار مالکیت	انشعاب	حق رای دهی صاحب سرمایه‌ی کنترل کننده به جز حق انتقال پول
	مشارکت در مدیریت	متغیرهای ساختگی: تعیین اینکه آیا صاحب سرمایه‌ی کنترل کننده و خانواده‌ی او در مدیریت حضور دارند یا نه؟
	عدم مشارکت در مدیریت	اگر صاحب سرمایه‌ی کنترل کننده در مدیریت حضور ندارند، متغیر برابر یک و در غیر اینصورت برابر صفر است.
	صاحبان مدیریت	حق جریان پول صاحب سرمایه‌ی کنترل کننده که در مدیریت نیز حضور دارند.
	هرم‌ها	متغیرهای ساختگی: تعیین اینکه آیا ساختار صاحبان هرم‌ها یا صاحبان سرمایه‌ی متقاطع وجود دارد یا خیر.
	گروه‌های تجاری	متغیرهای ساختگی: اگر شرکت به یکی از ۱۰۰ شرکت بزرگتر تعلق دارد مقدار ۱ را می‌گیرد.
	افزایش فروش	نرخ رشد فروش
	اندازه	لگاریتم دارایی‌های کل

انواع	متغیرها	اندازه گیری
	قدرت نفوذ	نسبت بدهی کل به دارایی کل
	قدرت سرمایه	نسبت سرمایه ی ثابت (یعنی اموال و تجهیزات) به فروش کل
شاخصه- های شرکتی	سود سهام	متغیر خارجی: اگر شرکت در سال جاری سود سهام پرداخت کرده باشد، این مقدار برابر یک است.
	سود دهی	نسبت درآمد شبکه ای به دارایی های کل
	سن	سالها از روز تاسیس
	تنوع	تعداد شرکتهای کمکی
	صادرات	نسبت فروش صادراتی به فروش کل
شاخصه های صنعتی	تمرکز صنعت	مجموع مجذور سهم بازار شرکتهای در صنعت متغیرهای ساختگی صنایع دو یا چهار عاملی
واکنش تحلیلگران و خریداران	پیروی از تحلیل گران سهم بازار	تعداد تحلیل گرانی که برآوردهای هر شرکت را گزارش می کنند. سهم شرکت از فروش کل همه ی شرکتها در همان صنعت های دو یا چهار عاملی

تعریف و مبانی اقتصاد دانش بنیان

اقتصاد دانش بنیان نتیجه خلق و تبادل دانش است که بخش فناوری ارتباطات و اطلاعات یک عنصر کلیدی آن است (لابرا^۱ و سانچز^۲، ۲۰۱۳). در اقتصاد دانش بنیان درباره جهانی است که افراد در آن از طریق هوششان بجای دستشان حرف می‌زنند. جهانی است که خلاقیت مهمتر از محصول بیشتر است، جهانی که سرمایه‌گذاران مفهوم جدید می‌خرند بجای دستگاه‌های جدید (راج^۳ و سیتارمن^۴، ۲۰۱۲).

عملیاتی شدن اقتصاد دانش بنیان از مقوله‌های مهمی است که بسیاری از نظریه پردازان به تحلیل آن پرداخته‌اند. چگونگی عملیاتی شدن اقتصاد دانش بنیان و قابلیت سنجش و شبیه

- 1.Labra
- 2.Sanchez
- 3.Raj
- 4.Seetharaman

سازی آن از این جهت اهمیت دارد که دانش چیرزی بیش از افزایش رشد اقتصادی به بار می‌آورد و آن تغییرات ساختاری در درون اقتصادها می‌باشد. تاکنون چارچوب منسجم و مورد توافق جهانی برای سنجش اقتصاد دانش بنیان ارائه نشده است (لئونگ، ۲۰۰۴). سازمان‌های بین‌المللی مانند و بانک جهانی هر کدام چارچوب خاصی را برای سنجش اقتصاد دانش بنیان ارائه نموده‌اند که در ادامه این شاخص‌ها به اختصار توضیح داده می‌شود. سازمان‌های بین‌المللی و اقتصاددانان تعریف‌هایی به شرح ذیل را برای اقتصاد دانش بنیان ارائه کرده‌اند:

چارچوب الگوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید و توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. صنایع دانش بنیان صناعی است که در آن‌ها سطح بالایی از سرمایه‌گذاری به ابداع و نوآوری اختصاص می‌یابد و فناوری‌های کسب شده با شدت بالایی مصرف می‌شوند و نیروی کار از تحصیلات عالی برخوردار است (OECD، ۲۰۱۱).

کمیته اقتصادی مجمع همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام

اقتصاد دانش بنیان را اقتصادی می‌داند که در آن تولید و توزیع و کاربرد دانش عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی و تولید ثروت و اشتغال در همه صنایع است. طبق این تعریف، اقتصاد دانش بنیان برای رشد و تولید ثروت تنها به تعدادی از صنایع با فناوری بالا متکی نیست بلکه در این اقتصاد همه صنایع به فراخور نیاز خود از دانش استفاده می‌کنند. بر اساس مطالعات مجمع همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوس آرام و طبق شواهد تجربی، موفق‌ترین کشورها کشورهایی هستند که اقتصاد آن‌ها کم‌ترین فاصله را با ویژگی‌های اقتصاد دانش بنیان داشته باشد. بعلاوه از نظر این کمیته، دانشی که بنای اقتصاد دانش بنیان است بسیار فراتر از دانش فنی است و شامل دانش فرهنگی و اجتماعی و مدیریتی نیز می‌شود. فرایند پیشرفت در

اقتصاد دانش بنیان با توجه به نقش وسیع دانش و کاربرد عملی آن «فناوری» وجود رابطه بازخورد بین دانش و کاربرد آن را ضروری می‌کند (الرهبی ۱، ۲۰۰۸).

شاخص تخمین دانش بانک جهانی

بانک جهانی در برنامه‌ای با عنوان «دانش برای توسعه» روشی برای تخمین دانش ارائه داده است که نسخه جدید این شاخص (KAM2009) شامل ۱۰۹ متغیر ساختاری و کیفی است که نشان می‌دهد چگونه یک اقتصاد با همسایگان، رقبا و یا کشورهایی که مایل به تقلید هستند رقابت می‌کند. این شاخص برای ۱۴۶ کشور به منظور اندازه‌گیری کارایی آن‌ها در اقتصاد دانش بنیان در چهار رکن مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی، آموزش، نوآوری و فناوری اطلاعات و ارتباطات ارائه شده است. این متغیرها در ۸ بخش شامل: متغیرهای عملکرد اقتصادی، مشوق‌های اقتصادی و رژیم نهادی، تدبیر دولت، سیستم ابداعات و نوآوری، آموزش، کارگر، تساوی جنسیتی و فناوری اطلاعات و ارتباطات طبقه‌بندی شده است (www.worldbank.org/kam).

به طور کلی، ویژگی‌های اقتصاد دانش بنیان عبارتند از:

۱. تحصیلات و سرمایه انسانی ماهر، با ارزش‌ترین دارایی در اقتصاد است.
۲. سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی از صنایع دانش‌بنیان مانند صنایع با فناوری برتر و متوسط حاصل می‌شود.
۳. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه بالا است.
۴. نرخ باسوادی بالا است.
۵. ارتباط با سایر بخش‌های دنیا به خوبی برقرار است.
۶. ظرفیت فناوری و مهارت‌ها و قدرت نوآوری بالا است.
۷. نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از اینترنت بالا است.
۸. یک اقتصاد دانش‌بنیان، چابک، شبکه‌ای، تطبیق پذیر و قابل اتکا است.
۹. ثبات اقتصادی و سیاسی در کشور وجود دارد.

اقتصاد دانش بنیان از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری همواره به امر اقتصاد دانش بنیان و اهمیت آن تأکید داشته‌اند و در بیانات خویش به این موضوع اشاره‌هایی نموده‌اند؛ از جمله در سال ۱۳۹۵ و در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی اینگونه بیان نمودند که: "بخش‌هایی در اقتصاد ما وجود دارد که مهم و دارای اهمیت است؛ مثلاً بخش نفت و گاز یا بخش تولید موتور که برای خودرو، برای هواپیما، برای قطار، برای کشتی مورد استفاده است، این بخش‌های حساس و مهم، دانش بنیان بشود. جوان‌های ما، دانشمندان ما نشان داده‌اند که می‌توانند نوآوری کنند، می‌توانند ما را از آن سطحی که در فناوری داریم بالاتر ببرند. بنابراین دانش بنیان شدن بخش‌های مهم اقتصاد داخلی، یکی از کارهایی است که در اقتصاد مقاومتی شرط است و بایستی انجام بگیرد."

ایشان در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درونزا، پیشرو و برونگرا و با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ابلاغ کردند که در بند دو آن به اهمیت اقتصاد دانش بنیان اشاره نمودند: «پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری: به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه». همچنین در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت در شهریور ماه سال ۱۳۹۴ فرمودند: "دولت روی شرکتهای دانش بنیان - که حالا گزارش داده شد و خوب بود - حتماً باید تکیه بشود؛ تجاری‌سازی علوم و فناوری‌ها، پارک‌های علم و فناوری و مانند اینها کارهای بسیار لازم و خوبی است. ببینید ما یکی از مشکلات اقتصادی‌مان مسئله‌ی اشتغال است؛ یکی از بهترین راه‌های اشتغال، همین پارک‌های علم و فناوری و همین وارد کردن دانشجویان به فناوری‌های قابل تبدیل به ثروت است. یک مقداری به اینها کمک بشود، یک راهنمایی بشوند، یک کار عملی و عملیاتی - واقعی - جلوی پای اینها گذاشته بشود، اینها مشغول می‌شوند. این تصور که هرکسی فارغ‌التحصیل شد، باید بیاید در یک مجموعه‌ی دولتی کارمند بشود و مانند اینها، و ما عزا بگیریم که فارغ‌التحصیل‌ها زیاد شدند، جا نداریم، امکان نداریم، این به نظر من نگاه غلطی است. نگاه درست این است که ما راه

را باز کنیم؛ برای این باید فکر بشود؛ یعنی باید برنامه‌ریزی بشود که دانشجوی ما از دوران تحصیل -از مثلاً فرض کنید دوران دانشگاه یا مثلاً فرض کنید تحصیلات تکمیلی؛ وقتی که وارد آگاهی‌های علمی سطح بالا شد- راه برای او باز بشود تا بتواند بیاید در یک جایی کار علمی بکند؛ و واقعاً شغل‌های بی‌پایان [وجود دارد]. به نظر من مشاغلی که ناشی از علم هست، انتها ندارد. هرچه ما آدم داشته باشیم، می‌توانیم شغل علمی در اختیار این‌ها بگذاریم، مشروط بر اینکه بنشینیم کار کنیم" (www.khamenei.ir).

اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی می‌فرماید:

«اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیریش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲)

اقتصاد در یک چنین شرایطی اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در برابر کارشکنی دشمن، خبثت دشمن، دشمنانی که ما داریم. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان، ۱۳۹۱/۰۵/۰۸)

سیاست‌های اقتصاد باید سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باشد - یک اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند، با تغییرهای گوناگون در این گوشه دنیا، آن گوشه دنیا متلاطم نشود؛ این چیزها لازم است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور به مناسبت هفته کارگر، ۱۳۹۲/۰۲/۰۷، www.khamenei.ir)

نقش دولت در اقتصاد دانش بنیان

در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، دست یافتن ایران به جایگاه اول، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ای آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم هدف‌گذاری شده است. در برنامه چهارم توسعه نیز در ذیل ماده ۴۳ تا ۵۷ فصل چهارم برنامه، با عنوان توسعه مبتنی بر

دانایی، دولت مکلف به نوسازی و بازسازی سیاست‌ها و راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی و تهیه برنامه‌های جامع توسعه علمی و فناوری کشور شد. لذا با توجه به تأکیدات قانونی، ارتقاء جایگاه اقتصاد دانش بنیان در کشور متضمن اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای کارآمد و برنامه‌های اجرایی منسجم می‌باشد که در اینجا به برخی از مهمترین موارد آن اشاره می‌گردد:

پیش نیاز موفقیت در اجرای راهبرد اقتصاد دانش بنیان در کشور، تدوین قوانین و مقررات کارآمد و سپس پذیرش و اجرایی شدن این راهبرد در کشور است. در این ارتباط، موارد ذکر شده درسیاست‌های کلی در خصوص "اقتصاد دانش بنیان" بایستی در فرآیند تدوین برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور ملاک عمل قرار گرفته و برنامه‌های پنج ساله نیز به نوبه خود مبنای تهیه بودجه‌های سالانه قرار بگیرند و با توجه به شاخص‌هایی که برای این حوزه ارائه شده است، به ارزیابی و کنترل عملکرد نهادهای مرتبط پرداخته شود.

اقتصاد دانش بنیان نیازمند سهم بالایی از فکر و اندیشه انسانی است. لازمه آموزش و تربیت نیروی انسانی توانمند و با مهارت، وجود نظام آموزشی مؤثر و کارآمدی است که در تمامی سطوح تحصیلی و سنی همواره دانش نیروی انسانی را ارتقا دهد. بنابراین گسترش کمی و کیفی ساختار آموزشی کشور و ترویج روحیه پژوهش و نوآوری در تمام عرصه‌های نظام آموزشی در راستای تحقق راهبرد اقتصاد دانش بنیان نیازمند اهتمام جدی می‌باشد.

وجود نظام نوآوری موجب ارتقای بنیان علمی و افزایش توان نوآوری مراکز پژوهشی و دانشگاهی می‌شود و از سوی دیگر با پاسخ به نیازهای علمی و فنی بخش‌های مولد اقتصادی، پیشرفت بخش‌های مذکور را در پی دارد.

گسترش و تخصصی شدن کارها موجب افزایش بازدهی به مقیاس و بهره‌وری، و به تبع آن رشد اقتصادی فناوری و افزایش نیاز انسان‌ها به یکدیگر شده است. از این رو سرمایه‌گذاری و بسترسازی برای موجب تسریع در برقراری ارتباطات و تبادل اطلاعات می‌شود، لذا اقتصادهای ارتباطات و اطلاعات دانش بنیان اهتمام ویژه‌ای به منظور ایجاد و گسترش کمی و کیفی زیرساخت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات دارند. مقایسه وضعیت ایران با کشورهای منطقه، بیانگر لزوم اهتمام بیشتر از سوی نهادهای ذیربط برای توسعه این بخش می‌باشد.

در راستای راهبرد اقتصاد دانش بنیان، آینده‌نگاری علم و فناوری با محوریت مؤثرترین فناوری‌ها و پربازده‌ترین صنایع در خلق ارزش افزوده با هدف جهت‌دهی اقتصاد و صنایع کشور مورد تأکید می‌باشد (یزدانی کاشانی و سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۶).

دارایی‌های نامشهود و اقتصاد دانش بنیان

در عصر اقتصاد دانش بنیان، اولویت حسابداری از دارایی‌های مشهود به دارایی‌های نامشهود تغییر کرده است (ژوا و همکاران، ۲۰۱۴) چرا که در دهه‌های گذشته دارایی‌های نامشهود یا همان سرمایه فکری مهم‌ترین منبع تولید ثروت و پیشرفت اقتصادی شده است حتی بیشتر از دارایی‌های مشهود. در شرایط اجتماعی و اقتصادی حال حاضر که اقتصاد دانش بنیان نام گرفته، دانش و اطلاعات عوامل اساسی هر دولت و ملتی هستند که در پی توسعه است (لابرا و سانچز، ۲۰۱۳). برای دارایی‌های نامشهود تعریف دقیق و مشخصی که مورد توافق همه اقتصاددانان و حسابداران باشد وجود ندارد و حتی در بین اقتصاددانان برخی معتقدند که دارایی‌های نامشهود هنوز ناشناخته‌تر از آن هستند که بتوان تعریف درستی برایشان ارائه داد. اما در گوشه و کنار تعاریفی هم ارائه شده که بعضی از آن‌ها به این شرحند:

- دارایی‌های نامشهود یا همان سرمایه فکری، مواد فکری مانند دانش، اطلاعات و تجربه هستند که باعث تولید ثروت می‌شوند.

- دارایی‌های نامشهود حاصل تفاضل قیمت یک شرکت و مجموع قیمت دارایی‌های مشهود آن شرکت است. (سیتارمن و همکاران، ۲۰۰۲).

- دارایی‌های نامشهود قابلیت پویای یک بنگاه حاصل از عوامل اساسی و منابع دانش شامل ساختار سازمان، مهارت‌های تخصصی کارمندان، نیروی مایل به مرکز استخدام، قابلیت نوآوری تحقیق و توسعه، حجم مشتری، نام تجاری شناخته شده، سهم بازار است (تسای و همکاران، ۲۰۱۲).

- دارایی نامشهود یا سرمایه فکری، دانش موجود در یک سازمان است که می‌تواند برای خلق

مزیت رقابتی استفاده شود. (بیاتیانی^۱ و خدابی پور^۲، ۲۰۱۳)

دارایی‌های نامشهود، یک نقش محوری برای مزایای رقابتی پایدار و همچنین برای خلق ارزش استراتژیک بازی میکند و سنجش آنها، به صورت یکی از قابل بحث ترین موضوعات اقتصاد دانش بنیان باقیمانده است. بسیاری ادعا کردند که پیچیدگی این دارایی‌ها از طبیعت آنها مشتق شده است. یکی از علل این پیچیدگی این است که دارایی‌های نامشهود هیچ شکل فیزیکی ندارند. (Molodchik et al, 2014)

حسابداری مدیریت و اقتصاد دانش بنیان

حسابداری مدیریت عبارت از فرایند تشخیص، اندازه‌گیری، جمع آوری، تهیه، تفسیر و کنترل فعالیت‌های سازمان برای تضمین و اطمینان از استفاده مناسب از سرمایه می‌باشد. از اهداف حسابداری مدیریت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تأمین اطلاعات مورد نیاز مدیران جهت تصمیم‌گیری و برنامه ریزی.

- کمک به مدیران در رهبری و کنترل فعالیت‌های عملیاتی.

- انگیزش کارکنان و مدیران برای فعالیت در راستای اهداف سازمان (شباهنگ، ۱۳۸۴):

۳ و ۲.

- سنجش و ارزیابی عملکرد واحدهای تابعه، مدیران و کارکنان سازمان (رضایی دولت آبادی و گل آذین، ۱۳۹۲).

نقش دارایی و حسابداری حرفه‌ای بدلیل تکامل سریع فناوری، نارسایی سرمایه‌گذاری‌های مالی، جهانی شدن اقتصاد و پیدایش اقتصاد دانش بنیان بطور قابل توجهی تغییر یافته است. به منظور نگهداشتن سرعت همراه با این تغییرات، انتظار می‌رود که حسابداری حرفه‌ای، اطلاعات مالی حرفه‌ای بموقع و دقیق را که سریعاً و به آسانی قابل دسترس هستند را فراهم می‌کند. متخصصین امور مالی و حسابداری مدیریت، پردازش تراکنش‌های مالی را پشت سر گذاشته‌اند و بیشتر در مدیریت تاکتیکی در رده میانی مدیریت و مدیریت استراتژیک در رده عالی مدیریت درگیر شده‌اند. حسابداران برای انجام وظایف و فراهم کردن اطلاعات مورد نیاز مدیریت باید در

سطح استراتژیک به ارزیابی دارایی‌های نامشهود بپردازند تا بتوانند با کنار هم قرار دادن دارایی‌های مختلف و فراهم کردن شرایط مناسب برای سازمان یا بنگاه ارزش بوجود آورند. همچنین اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیرندگان که مسئول برنامه‌ریزی، اجرایی و یا فعالیت‌های ارزیابی سازمان هستند، فراهم می‌کنند. آن‌ها به اجرای روند اطلاعات در فرایندهای تجاری کمک می‌کنند و یا به مدیریت کمک می‌کنند تا نقش‌های تجاری را تعریف کند یا سیاست‌هایی که ذات روند تجاری آن‌ها را شکل می‌دهد (راج و سیتارمن، ۲۰۱۲).

نتیجه‌ی مطالعه‌ی لیدرمن و مالونی در مورد ۱۲۶ کشور طی دوره‌ی ۱۹۷۵-۲۰۰۰ حاکی از تأثیر مثبت مخارج انجام شده در بخش تحقیق و توسعه بر رشد اقتصادی است (مالونی^۱، ۲۰۰۳: ۳۵). چن و دالمن طی مطالعه‌ای تأثیر جنبه‌های مختلف دانش (در چارچوب اقتصاد دانش بنیان) بر رشد اقتصادی ۹۲ کشور را طی دوره زمانی ۱۹۶۰-۲۰۰۰ بررسی می‌کنند. نتیجه‌ی این مطالعه تأثیر مثبت جنبه‌های مختلف دانش بر رشد اقتصادی است (چن^۲ و دالمن^۲، ۲۰۰۴: ۵۴).

اولیویرا^۴ و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط دارایی‌های نامشهود و ارزش شرکت پرداختند. بدین منظور برای شناسایی دارایی‌های نامشهود و سرقتی، صورت‌های مالی کلیه شرکت‌های غیرمالی بورس اوراق بهادار کشور پرتغال را در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که سود خالص، سرقتی گزارش شده و سایر دارایی‌های نامشهود، ارتباط بسیار معناداری با قیمت سهام دارد.

سیدنژادفهمیم و اقدامی (۱۳۹۰)، به اهمیت دارایی نامشهود به عنوان مزیت رقابتی پایدار اشاره نمودند. به طوری که شرایط خاص اقتصادی حاکم بر شرکت‌های فعال باعث شده تا مزیت نسبی این شرکت‌ها دیگر صرفاً دارایی‌های مشهود آن‌ها نباشد. آن چیزی که امروزه این شرکت‌ها را در صحنه اقتصاد کنونی رقابت پذیر می‌سازد دارایی‌های نامشهود آن‌هاست.

-
1. Maloney
 2. Chen
 3. Dahlman
 4. Oliveira

تنهایی (۱۳۹۰)، به بررسی اهمیت شناسایی برند به عنوان دارایی نامشهود پرداخت. بر اساس این مطالعه، امروزه بخش قابل توجهی از ارزش ایجاد شده در شرکت‌ها مربوط به دارایی‌های نامشهود ایجادشده در واحد تجاری (به طور خاص برند) می باشد.

کلانتر و امرایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی، تولید داخل و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» به تعاریف اقتصاد مقاومتی پرداخته و راهکارهایی جهت عملیاتی شدن آن و همچنین وظایف و نقش دولت و مردم در به تحقق رسیدن اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار دادند و در این راستا به راهکارها و راهبردهای مقاومتی برای رشد تولید داخل و حمایت از کار و همچنین مزایای آن شامل (اقتصادی، فرهنگی اجتماعی، علمی و آموزشی، سیاسی و...) اشاره کردند.

همچنین ابونوری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی بیان می‌کنند مؤلفه‌های اقتصاد دانش بر بهره‌وری کل عوامل تولید تاثیر مثبت دارد و هزینه‌های تحقیق و توسعه نسبت به سایر مؤلفه‌های اقتصاد دانش، بر بهره‌وری کل عوامل تولید، اثر بیشتری دارد. در کل می‌توان نتیجه گرفت که استفاده هر چه بیشتر از مؤلفه‌های اقتصاد دانش باعث رشد بیش تر بهره‌وری کل عوامل تولید و در نتیجه رشد اقتصادی بیشتر می‌شود.

مریم قلی پور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش بنیان» ابتدا تعاریفی از اقتصاد و اقتصاد دانش بنیان ارائه داد و سپس به بیان پیش شرط‌های لازم برای استقرار اقتصاد دانش بنیان پرداخت. در ادامه ویژگی‌های این اقتصاد و راهکارها مورد توجه قرار گرفت و از روش کتابخانه‌ای و توصیفی نیز برای نگارش مقاله استفاده شد.

روش‌شناسی

هدف مطالعه حاضر تعیین میزان تأثیر دارایی‌های نامشهود بر حسابداری مدیریت و اقتصاد دانش بنیان و تحقق اقتصاد مقاومتی است؛ بنابراین بر اساس هدف، این تحقیق از نوع کاربردی توسعه‌ای است و به لحاظ روش، پیمایشی و توصیفی است.

جدول شماره ۲ - پیشینه پژوهش

مؤلف	سال	عنوان	نتایج
چن و دالمن	۲۰۰۴	دانش و توسعه: بر اساس روش برش مقطعی	جنبه‌های مختلف دانش بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارند.
اولیویرا و همکاران	۲۰۱۰	دارایی نامشهود و ارزش ارتباط: سندی از بازار بورس پرتغال	سود خالص، سرففلی گزارش شده و سایر دارایی‌های نامشهود، ارتباط بسیار معناداری با قیمت سهام دارد.
سیدنژادفهم و اقدامی	۱۳۹۰	اهمیت دارایی نامشهود به عنوان مزیت رقابتی پایدار	شرایط خاص اقتصادی حاکم بر شرکت‌های فعال باعث شده تا مزیت نسبی این شرکت‌ها دیگر صرفاً دارایی‌های مشهود آن‌ها نباشد. آن چیزی که امروزه این شرکت‌ها را در صحنه اقتصاد کنونی رقابت پذیر می‌سازد دارایی‌های نامشهود آن‌هاست.
کلانتر و امرایی	۱۳۹۱	اقتصاد مقاومتی، تولید داخل و حمایت از کار و سرمایه ایرانی	راهکارهایی جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی و همچنین وظایف و نقش دولت و مردم در به تحقق رسیدن اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار دادند و به راهکارها و راهبردهای مقاومتی برای رشد تولید داخل و حمایت از کار و همچنین مزایای آن اشاره کردند.
ابونوری و همکاران	۱۳۹۰	بررسی نقش مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان بر بهره‌وری کل عوامل تولید	استفاده هر چه بیشتر از مؤلفه‌های اقتصاد دانش باعث رشد بیش‌تر بهره‌وری کل عوامل تولید و در نتیجه رشد اقتصادی بیشتر می‌شود.
مریم قلی پور	۱۳۹۳	اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش بنیان	ارائه تعاریفی از اقتصاد و اقتصاد دانش بنیان، بیان پیش شرط‌های لازم برای استقرار اقتصاد دانش بنیان و شرح ویژگی‌های این اقتصاد و راهکارهایش.

جهت انجام و تکمیل روند پژوهش ابزار گردآوری داده‌ها، روش کتابخانه‌ای و جهت تهیه ادبیات موضوع، روش مشاهده میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه می‌باشد. جهت تحلیل از نرم افزار SPSS-16 و آزمون آماری T استفاده شده است. مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان (خلاقیت، نوآوری، ساختار سازمانی) و مؤلفه‌های دارایی‌ای نامشهود (سرمایه نامشهود، ساختار مالکیت، شاخصه‌های شرکتی، شاخصه‌های صنعتی و واکنش تحلیلگران و مشتری‌ها) از جمله متغیرهایی است که در این بحث مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار بوده که جهت گزینش، شرایط زیر را دارا بودند:

- ۱- در حال حاضر در تالار بورس اوراق بهادار تهران مجاز به معامله باشند.
 - ۲- دارای صورت‌های مالی حسابرسی شده منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ باشند.
 - ۳- صنعت و فعالیت آن‌ها مرتبط با فناوری اطلاعات و فناوری روز می‌باشد.
- به این ترتیب ۳۲۴ شرکت دارای شرایط فوق بودند؛ اما با توجه به موضوع پژوهش برای افزایش روایی، دو شرط دیگر نیز به ترتیب زیر اضافه گردید:
- ۴- یا در گزارش هیئت مدیره به مجمع، برنامه‌های تحقیق و توسعه در سال مالی آتی افشا شده باشد.

۵- و یا توسط مراجع ذی‌ربط به عنوان شرکت دانش بنیان در نظر گرفته شده باشند.

در نهایت ۲۴۳ شرکت (شامل ۴۰ شرکت دانش بنیان و ۲۰۳ شرکت که دارای برنامه تحقیق و توسعه هستند) انتخاب گردیدند. نمونه پژوهش تمام شمار در نظر گرفته شد؛ بنابراین پرسشنامه پژوهش برای مدیران ۲۴۳ شرکت انتخابی ارسال گردید. ۲۱۷ پرسشنامه نیز عودت داده شد که از این تعداد ۲۰۸ مورد پاسخ‌های معتبر داشتند.

جدول شماره ۳- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پرسش‌شوندگان

تعداد	سن	تعداد	مدرک تحصیلی	تعداد	رشته تحصیلی	تعداد
۱۶۷	۳۵-۴۵ سال	۱۲۱	لیسانس	۱۸۹	مدیریت مالی	۱۸۹
۵۳	۴۵-۵۰ سال	۸۷	فوق لیسانس	۴۹	حسابداری	۴۹
۲۳	بالای ۵۰ سال	۳۵	دکتر	۵	متفرقه	۵

روایی و پایایی پرسشنامه

جهت تعیین اعتبار و روایی پرسش‌نامه در این تحقیق از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. برای تعیین روایی با مطالعه منابع مربوط، طرح اولیه پرسش‌نامه تهیه گردید و توسط اساتید، کارشناسان و متخصصان این امر مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه مواردی جهت اصلاح پیشنهاد گردید و نکات مبهم و نارسا برطرف و برخی گویه‌ها که ارتباط کمتری با اهداف تحقیق داشتند، اصلاح شد و پرسش‌نامه نهایی تدوین گردید. برای تعیین پایایی پرسشنامه، میزان آلفای کرونباخ به دست آمده از نرم افزار SPSS را برای ۳۸ سؤال پژوهش در نظر می‌گیریم. مطابق جدول زیر عدد مربوط به آلفای کرونباخ برابر با ۰.۷۱۸ می‌باشد و چون بالاتر از ۰.۷ است؛ نشان‌دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه پژوهش است.

جدول شماره ۴ - بررسی روایی پرسشنامه

آماره‌های روایی	
تعداد پرسش‌ها	آلفای کرونباخ
۳۸	۰/۷۱۸

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. برای انجام این آزمون فرض می‌شود:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \mu \leq 3 \text{ فرضیه برقرار نیست} \\ H_1: \mu > 3 \text{ فرضیه برقرار است} \end{array} \right.$$

برای آزمون فرضیه‌ها، داده‌ها (پاسخ‌های پرسشنامه) را وارد نرم افزار SPSS می‌کنیم؛ بدین ترتیب که متغیرهای X1 تا X5 را به عنوان پاسخ‌های مربوط به هر فرضیه در نظر گرفته می‌شود، سپس خروجی آماری به صورت جدول ۴ آورده شده است. با توجه به جدول فوق، اعداد مربوط به انحراف معیار نشان می‌دهد که پراکندگی پاسخ‌ها (کمتر از ۰.۵) پایین بوده و برای هر پنج فرضیه به میزان قابل قبولی می‌باشد.

جدول شماره ۵- آماره‌های آزمون t تک نمونه‌ای

	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
X1	208	3.6208	.48488	.03362
X2	208	3.8489	.48778	.03382
X3	208	3.4528	.50009	.03467
X4	208	3.3341	.54961	.03811
X5	208	3.3798	.53736	.03726

برای آن که معناداری فرضیه‌های پژوهش اثبات شود در مرحله نخست، معناداری تمام پرسش‌ها به طور جداگانه مورد آزمون قرار گرفته است و مشاهده شد پرسش‌های ۴ و ۲۳ (مربوط به فرضیه پنجم)، ۱۲ (مربوط به فرضیه اول) و ۲۹ (مربوط به فرضیه سوم) معنادار نیستند؛ البته پاسخ‌های مربوط به سایر پرسش‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار می‌باشند؛ به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که در فرضیه اول تأثیر هزینه تبلیغات بر کاربردی شدن اقتصاد دانشی معنادار نمی‌باشد، همچنین در فرضیه سوم پرسش اثر صادرات بر سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه در شرکت‌های دانش بنیان بی‌معناست و در فرضیه پنجم دو مورد اثر سهم بازار یک شرکت بر سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه آن شرکت و نیز مؤثر بودن سهم بازار یک شرکت بر سهم واردات فناوری از کل واردات معنادار نمی‌باشد.

جدول شماره ۶- معنی داری دودنباله آزمون t تک نمونه‌ای برای تمام پرسش‌ها

شماره سؤال	t	درجه آزادی	معنی داری (دو دنباله)	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای هر متغیر	
					حد پایین	حد بالا
VAR01	23.894	207	.000	1.28365	1.1777	1.3896
VAR02	2.714	207	.007	.18269	.0500	.3154
VAR03	7.539	207	.000	.53365	.3941	.6732
VAR04	-1.139	207	.890	-.00962	-.1460	.1267
VAR05	6.148	207	.000	.45673	.3103	.6032
VAR06	21.158	207	.000	1.24038	1.1248	1.3560
VAR07	-2.445	207	.015	-.16346	-.2953	-.0317
VAR08	15.380	207	.000	.95673	.8341	1.0794
VAR09	11.966	207	.000	.79808	.6666	.9296
VAR10	4.249	207	.000	.29327	.1572	.4293

۳ = ارزش آزمون

شماره سؤال	t	درجه آزادی	معنی داری (دو دنباله)	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای هر متغیر	
					حد بالا	حد پایین
VAR11	9.251	207	.000	.65385	.5145	.7932
VAR12	.279	207	.780	.01923	-.1164	.1549
VAR13	-2.128	207	.035	-.15385	-.2964	-.0113
VAR14	6.301	207	.000	.43269	.2973	.5681
VAR15	14.544	207	.000	.93269	.8063	1.0591
VAR16	11.121	207	.000	.70192	.5775	.8264
VAR17	2.525	207	.012	.16346	.0358	.2911
VAR18	12.420	207	.000	.75000	.6310	.8690
VAR19	18.180	207	.000	1.05288	.9387	1.1671
VAR20	8.051	207	.000	.60096	.4538	.7481
VAR21	11.483	207	.000	.72115	.5973	.8450
VAR22	14.271	207	.000	.89904	.7748	1.0232
VAR23	.517	207	.606	.03365	-.0948	.1621
VAR24	9.054	207	.000	.56731	.4438	.6908
VAR25	7.796	207	.000	.53365	.3987	.6686
VAR26	-5.583	207	.000	-.33654	-.4554	-.2177
VAR27	5.679	207	.000	.36538	.2385	.4922
VAR28	2.663	207	.008	.20192	.0524	.3514
VAR29	.647	207	.518	.04327	-.0886	.1751
VAR30	4.557	207	.000	.30769	.1746	.4408
VAR31	5.933	207	.000	.44231	.2953	.5893
VAR32	13.200	207	.000	.81731	.6952	.9394
VAR33	10.195	207	.000	.68269	.5507	.8147
VAR34	11.276	207	.000	.69231	.5713	.8134
VAR35	8.738	207	.000	.65385	.5063	.8014
VAR36	14.939	207	.000	.94231	.8180	1.0667
VAR37	20.589	207	.000	1.17308	1.0608	1.2854
VAR38	10.608	207	.000	.70673	.5754	.8381

در جدول بعدی خروجی مربوط به آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به هر فرضیه آورده شده است که عدد t، درجه آزادی و معناداری آزمون فرضیه‌ها نمایش داده می‌شود. پرسش‌های مربوط به هر فرضیه را در خروجی آن قرار می‌دهیم؛ به این ترتیب که ۸ سؤال برای فرضیه اول (X1)، ۷ سؤال برای فرضیه دوم (X2)، ۱۱ سؤال برای فرضیه سوم (X3)، ۶ سؤال برای فرضیه چهارم (X4) و ۶ سؤال برای فرضیه پنجم (X5) در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۷- معنی داری دودنباله برای آزمون t تک نمونه‌ای

۳ = ارزش آزمون

t	درجه آزادی	معنی داری (دو دنباله)	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای هر متغیر		
				حد بالا	حد پایین	
				X1	18.465	207
X2	25.100	207	.000	.84890	.7822	.9156
X3	13.058	207	.000	.45280	.3844	.5212
X4	8.768	207	.000	.33413	.2590	.4093
X5	10.194	207	.000	.37981	.3064	.4533

همان‌طور که در جدول فوق نمایش داده شده است عدد مربوط به درجه آزادی (df) برای هر سه متغیر ۲۰۷ می‌باشد به این معنی که مقدار از دست رفته‌ای وجود ندارد و پاسخ‌ها قابل قبول بوده است. ستون چهارم، سطح معنی‌داری را نشان می‌دهد. با توجه به این که این آزمون از نوع آزمون یک دنباله راست است ($H_1: \mu > 3$)، مقادیر معنی‌داری (Sig) دو دنباله را باید بر ۲ تقسیم نمود تا به یک دنباله تبدیل شود:

جدول شماره ۸- معنی داری یک دنباله

معنی داری یک دنباله	
معنی داری (یک دنباله)	
X1	.000
X2	.000
X3	.000
X4	.000
X5	.000

مقادیر معنی‌داری یک دنباله برای تمام متغیرها کمتر از ۵ درصد است، می‌توان چنین برداشت کرد که میانگین هر یک از این متغیرها، اختلاف معنی‌داری با عدد ۳ دارند. با مراجعه به ستون t و در نظر گرفتن علامت آن‌ها درمی‌یابیم که میانگین هر ۵ متغیر از عدد ۳ بیشتر است. مشاهده می‌شود هر پنج فرضیه پژوهش معنادار و مورد تایید است؛ به این ترتیب فرضیه اصلی پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد، یعنی حسابداری مدیریت در ارزیابی دارایی نامشهود بر اقتصاد

دانش بنیان به عنوان ابزاری برای تحقق اقتصاد مقاومتی (با توجه به جامعه آماری و شرایط مطرح شده در پژوهش) مؤثر است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شده است که با مطالعه راه‌های ارزیابی دارایی‌های نامشهود و بررسی اقتصاد دانش بنیان و یافتن روشی روشن و شفاف برای بررسی تأثیر دارایی‌های نامشهود بر اقتصاد دانش بنیان، مسیر حسابداری مدیریت را در این شرایط اقتصادی و اجتماعی که آن را با نام اقتصاد دانش بنیان می‌شناسند، روشن تر نماید. در این راستا مطابق با ادبیات پژوهش پنج متغیر برای دارایی نامشهود در نظر گرفته شد. برای بررسی تأثیر هر یک از این متغیرها بر اقتصاد دانش بنیان، مؤلفه‌هایی را برای هر متغیر تعیین نموده و در قالب سؤالاتی در پرسشنامه از مدیران شرکت‌های بورسی آورده شد. تجزیه و تحلیل آماری پاسخ‌های پرسشنامه‌ها نشان داد که هر پنج متغیر دارایی نامشهود بر اقتصاد دانش بنیان (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) مؤثر است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌های بورسی که یا دارای برنامه تحقیق و توسعه بوده‌اند و یا به عنوان شرکت دانش بنیان شناخته شده‌اند بر مؤثر بودن سرمایه نامشهود، ساختار مالکیت، شاخصه‌های شرکتی، شاخصه‌های صنعتی و واکنش تحلیل‌گران و مشتری‌ها بر اقتصاد دانش بنیان صحنه گذاشتند؛ و این بدان معنی است که در تحقق اقتصاد مبتنی بر دانش باید به اهمیت و تأثیرگذاری دارایی نامشهود توجه ویژه‌ای نمود؛ در نتیجه دارایی نامشهود و حسابداری مدیریت به طور غیرمستقیم در به ثمر رسیدن اقتصاد مقاومتی تأثیرگذار خواهد بود.

اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران که همواره در بیانات بالاترین مقام رسمی کشور یعنی مقام معظم رهبری به آن اشاره شده است باید سرلوحه کار مدیران اقتصادی کشور قرار گیرد؛ بنابراین در نظام اقتصادی و دانشی ایران که در مراحل اولیه ورود به اقتصاد دانش بنیان قرار دارد، مدیران رده بالای مالی و حسابداری به کمک نخبگان و استادان اقتصادی و حسابداری می‌بایست در وهله نخست، شناخت خود از دارایی‌های نامشهود (به عنوان یک عامل مهم در حسابداری مدیریت) و اقتصاد دانش بنیان را

افزایش دهند و در وهله دوم با شناسایی عوامل مؤثرتر دارایی‌های نامشهود (متناسب با شرایط و موقعیت صنعت و شرکت خود) بر اقتصاد دانش‌بنیان، در صدد اجرایی نمودن و تحقق آن برآیند. در راستای تحقق این موضوع، مدیران اقتصادی می‌بایست با تشکیل کارگروه‌های تحقیقاتی کاربردی، تمام جنبه‌های دارایی نامشهود مرتبط با موسسه تحت مدیریت خود را ارزیابی نمایند و با استفاده از تجربه دیگر کشورها و سایر شرکت‌های داخلی که قدم در این عرصه گذاشتند؛ و متناسب با شرایط شرکت و موسسه خود آن را به روزرسانی نمایند. به عبارتی شاخص‌های دارایی نامشهود که بر تحقق اقتصاد مقاومتی مؤثر هستند، با توجه به نوع صنعت، اندازه، سال تأسیس و کاربرد می‌توانند متفاوت باشند. برای نمونه شرکتی که تازه تأسیس می‌باشد بیشتر بر قدرت تبلیغات تکیه دارد، در حالی که یک شرکت خدماتی با سابقه، به واکنش مشتریان و تحلیل‌گران اهمیت بیشتری می‌دهد.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که به شناسایی عوامل مؤثر دارایی نامشهود در سیستم مالی آجا در اقتصاد دانش‌بنیان پرداخته شود. همچنین نقش مدیران مالی و روسای کنت و دارایی آجا در تحقق اقتصاد مقاومتی بررسی و شناسایی گردد. چگونگی نقش سازمان حسابرسی آجا و عناصر نظارتی در تحقق اقتصاد مقاومتی مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد. در نهایت در پژوهشی جامع می‌توان اقتصاد دانش‌بنیان را در آجا بومی سازی کرد، به این صورت که یک مدل بومی برای اقتصاد دانش‌بنیان ارائه شود.

منابع

ابونوری، عباسعلی، حنطه، مهدی و آرزیتا قربانی‌جاهد (۱۳۹۰)، بررسی نقش مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان بر بهره‌وری کل عوامل تولید، پژوهشنامه اقتصاد کلان، سال هشتم، شماره ۱۶، صص ۳۱-۵۲.

تنهایی، جواد (۱۳۹۰)، بررسی اهمیت شناسایی برند به عنوان دارایی نامشهود، حسابدار رسمی، شماره ۲۶، صص ۱۲۰-۱۲۴.

رضایی دولت‌آبادی، حسین و سمیرا مهرآذین (۱۳۹۲). تحلیل نقش حسابداری مدیریت در ایجاد مزیت

رقابتی برای سازمان‌ها، در محیط‌های متغیر و پویا. نشریه پژوهش حسابداری. شماره ۸.

سایت مقام معظم رهبری، www.khamenei.ir.

- ستایش، محمدحسین و روح اله موسوی‌نژاد (۱۳۸۸)، **دارایی‌های نامشهود ثبت نشده**، حسابدار رسمی، شماره ۲۸، صص ۸۹-۹۴.
- سیدنژادفهمیم، رضا و اسماعیل اقدامی (۱۳۹۰)، **اهمیت دارایی نامشهود به عنوان مزیت رقابتی پایدار**، حسابدار رسمی، شماره ۱۴، صص ۱۲۰-۱۲۴.
- شباهنگ، رضا (۱۳۸۴)، **حسابداری مدیریت**، جلد اول، چاپ چهارم، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی.
- قلی‌پور، مریم. (۱۳۹۳)، **اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش بنیان**، اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در هزاره سوم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول.
- قلیچلی، بهروز، حسینی، خ و مشبکی، اصغر؛ (۱۳۸۷)، **نقش سرمایه فکری در خلق مزیت رقابتی**: مجله دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، شماره ۱۵، صص ۱۰۹-۱۲۴.
- کلاتر، اسداله و فرید امرایی. (۱۳۹۱). **اقتصاد مقاومتی، تولید و حمایت از کار و سرمایه ایرانی**، همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان، رشت.
- یزدانی کاشانی، حسین و غلامرضا سعیدی (۱۳۹۳)، **جایگاه اقتصاد دانش بنیان در فرآیند توسعه اقتصادی**، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.

- Al-Rahbi, I. A. (2008). "An empirical study of the key knowledge economy factors for sustainable economic development in Oman", (Doctoral disertación, Victoria University).
- Bayatiani, N. N., and Khodamipour, A. (2013). Investigating Relationship between Intellectual Capital and Financial Variables of Companies Listed in Tehran Stock Exchange.
- Blair, M. M. & Wallman, S. M. H., (2000), "Unseen wealth: Report of the Brookings task force on understanding intangibles sources of value", Washington, DC: The Brookings Institution Press.
- Bontis, N., and Serenko, A. (2009). A causal model of human capital antecedents and consequents in the financial services industry. *Journal of Intellectual Capital*, 10(1), 53-69.
- Chen. D.H.C, Dahlman, C., 2004, "Knowledge and development: a cross-section approach", World Bank Policy Research, Working Paper No. 3366.
- Giju, G. C., Badea, L., RUIZ, V. R. L., & PEÑA, D. N. (2010). Knowledge Management—the Key Resource in the Knowledge Economy. *Theoretical and Applied Economics*, 6(6), pp: 27-36.

- Harris, R., McAdam, R., McCausland, I., & Reid, R. (2013). Knowledge management as a source of innovation and competitive advantage for SMEs in peripheral regions. *The International Journal of Entrepreneurship and Innovation*, 14(1), 49-61.
- International Accounting Standards Board – IASB, (2004), "Intangible assets", International Accounting Standards, No. 38, London, UK (revised).
- Labra, R., and Paloma Sanchez, M. (2013). "National intellectual capital assessment models: a literature review", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 14(4), 582-607.
- Leung, Stephen K.C. (2004), statistics to measure the Knowledge-based Economy.
- Maloney, W. F., 2003, "R&D and development", World Bank Policy Research, Working Paper No. 3024.
- Massa, S., and Testa, S. (2009). A knowledge management approach to organizational competitive advantage: Evidence from the food sector. *European Management Journal*, 27(2), 129-141.
- Molodchik. M. A., and Shakina, E. A., and Angel Barajas, (2014). Metrics for the elements of intellectual capital in an economy driven by knowledge, *Journal of Intellectual Capital* Vol. 15 No. 2, pp. 206-226
- Oliveira, Lidia; Rodrigues, Lucia Lima and Russell Craig (2010). "Intangible Assets and Value Relevance: Evidence from the Portuguese Stock Exchange", the *British Accounting Review*, Vol. 42, Issue 4, pp. 241-252.
- Raj, J. R., and Seetharaman, A. (2012). "The role of accounting in the knowledge economy", *African Journal of Business Management*, Vol. 6(32), 9307-9316.
- Science, Technology and Industry Scoreboard; Paris: 2001 (OECD).
- Seetharaman, A., Helmi Bin Zaini Sooria, H., and Saravanan, A. S. (2002). Intellectual capital accounting and reporting in the knowledge economy. *Journal of Intellectual capital*, 3(2), 128-148.
- Tsai, Chih-Fong; Lu, Yu-Hsin and David C. Yenc (2012). "Determinants of Intangible Assets Value: The Data Mining Approach". *Knowledge-Based Systems*, Vol. 31, pp. 67-77.
- Tsai, Chih-Fong; Lu, Yu-Hsin, hung, yu-chung and David C. Yen (2016). "Intangible assets evaluation: The machine learning perspective". *Neurocomputing*, Vol. 175, pp. 110-120.

- Vergauwenm P., L. Bollen, E. Oirbans, (2007), Intellectual capital disclosure and intangible value drivers: an empirical study, *Manag. Dec.* 45 (7), pp. 1163–1180.
- Verleiden, J. Kessels, (2011), kennisproductiviteit Enschede, Universiteit Twente. www.worldbank.org/kam.
- Zhou, Z., Zhang, J. M., Wang, S. H., Chen, R., & Zhong, W. W. (2014), Intangible Assets in the Era of Knowledge Economy. In *Applied Mechanics and Materials, Study on the Value Management of Forestry*. Vol. 618, pp. 583-587

